



ترجمه ع. صدقی

هرات

روزیکه کتاب « هرات ، غله‌خانه و باغ آسیای مرکزی »
« مولفه کو لوند جی ، بی میلسن سی ، اس ، آی (۱) رامطالعہ

می کردم بعضی قسمتهای آنرا مفید یافته در پی ترجمه شدم . میلسن مولف مذکور یکی از تاریخ نویسان مشهور انگلیزی بوده از بس دردنبال تدقیقات تاریخ هند و افغانستان افتاده او را پدر تاریخ هند نامیده اند . مشار الیه مملکت ما را دیده و راجع بآن چندین کتاب نوشته مشاهدات را با مطالعات آمیخته آثار خوبی بوجود آورده . تمام آثارش مبنی بر تحقیقات خوبی است ولی بعضی عبارات پهلوی دار این تاریخ نویس انگلیز بر حوصله افغانی گرانی کرده اعتبار او را کاسته . با وجود آن هر گاه از این کلمات چشم پیوسته می توان چیزهای خوبی بدست آوریم . از کتابهای مهمش بر علاوه کتاب فوق « تاریخ افغانستان » و « اکبر و عروج امپراطوری مغل » و غیره است . اینک در ذیل این عنوان از صفحه ۳۵ - ۸۲ کتاب اول الذکر را که متعلق بتاریخ شهر تاریخی هرات است ترجمه و تقدیم خوانندگان مجله آئینه داشته گمان دارم برای آنانیکه تتبع تاریخ این سرزمین را می کنند قابل استفاده واقع شود . « صدقی »

ضرب المثل شرقیست که : « خراسان صدف دنیاست و هرات مروارید آن »

(1) Heraut 'the Granary and Garden of Central Asia. by Colonel G. B. Malleson C. S. I.

این شهر که باری باشکوه بود در ۳۴ درجه و ۲۶ دقیقه شمالی و ۶۲ و ۸ دقیقه شرقی واقع و از سطح بحر دو هزار و شصت و پنجاه فوت بلند است. این شهر در وادی هریرود واقع و این دریا از مابین شهر می گذرد.

هریرود از قله های کوه های هزاره که از قریه رباط تاروان بسیار دور نیست سرچشمه می گیرد. در آنجا نام این دریا جنگلاب است. ازین مقام سوی جنوب غرب تا نقطه زبردولت یاز که قریه در بین راه است هرات و بامیانست میرسد. درین قسمت معاون دیگری بان ملحق میشود که موسوم است به سر تنکلاب. سر تنکلاب نیز مانند آن از سلسله کوه های هزاره از جائیکه به نسبت اولی جنوب شرق گفته میشود سر میگیرد از نقطه الحاق هر دو دریا « تنکلاب و جنگلاب » هریرود میشود و تقریباً مستقیم بطرف غرب و جنوب سلسله پا را پامیسن « Parapomisan » جریان کرده آخر الامر از سمت جنوب هرات عبور می نماید. بعد از آنکه قریب پنجاه میل از شهر دور میشود سمت شمال غرب را اختیار کرده سپس بطرف شمال راست میشود. بسا آبهای دیگر نیز بدان می ریزد و ضمناً از غرب وادی سرخس عبور می نماید. ازینجا بعید نیست که نام هریرود را از دست داده و « تاجند » موسوم گردد و بهمین نام این دریا سمت شمال غربی را گرفته جریان میکند تا اینکه عاقبت در ریگهای دشت بزرگ ترکمان فرو می رود.

گویان شان داده شد که هریرود آبهای سر تنکلاب یعنی دریائیکه از بین وادی و وسیع عبور نموده آنرا شاداب و خرم می سازد بگجا میرساند. رویهم رفته درین وادی وسیع نهرهای زیادی کشیده شده که دشت را به کشتزارها و زمین بوره را به باغهای میوه تبدیل کرده است. آب آن بی اندازه درخشان و شفاف است.

حاصلات هرات بقدر کافی و حتی بیشتر از آنست. در آن اوقاتیکه هرات معظمترین شهرهای آسیای وسطی شمار میشد از یکطرف اهمیت دربار باشکوه و از طرف دیگر شهر با عظمت تجارتی دنیای شرقی بود.

شهر هرات مرکزیت این وادی شاداب را داراست. کونولی (Conolly) که این شهر را خیلی گرافیکی توضیح کرده چنین می نویسد:-

شهر در چهارمیلی کوه های شمالی و دوازده میلی کوه هاییکه در جنوب ممتد شده اند واقع است. جائیکه در بین این دو سلسله کوه ها افتاده میدانی است پراز قریه های مستحکم، باغهای قشنگ، تاکستانها، کشت زارها و منظره شیرین و درخشانی که از جریان جویبار های مملو از آب روی این سطح را تشکیل کرده. بندی که روی دریای هریرود ساخته و آب آنرا بجویبار های متعدد دی گردانیده اند طور است که هیچ نقطه از وادی هرات بی آب نمی ماند. درین وادی میوه های شیرین و متنوع یافت میشود و نرخ شان به نسبت شهید ارزانتر است.

مواد اولیه حیات بسیار و ارزان بوده آب و نان هرات ضرب المثل خوبی آنست من حقیقه آبی که بشرینی آب هریرود باشد حتی در انگلستان هم نچشیده ام. این آب «مانند اشک شفاف» است و اهالی آنجا می گویند که تنها آب کشمیر می تواند با آن برابری کند.

هرات از حیث قدامت نیز خیلی بسا اهمیت است. هر نویسنده راجع بآن چیزی تحریر کرده. ابن هوکل (Houkal) که در قرن دهم (۱) مسیز بسته توضیحات شاندار را جمع به قلعه، عمارات

(۱) ابن هوکل مؤلف کتاب قیمتدار جغرافیای مشرق است که بسال ۹۷۶ طبع گردیده. برای اینکه خود را آماده تحریر چنین اثری بنماید بیست و هشت سال در معالک اسلامی دنیا مسافرت نمود.

باغها و حتی از کلیسای عیسائی‌های (اغلباً نستورین‌ها Nestorians) آن داده‌است. ادریسی (Edrisi) (۱) که تقریباً دو صد سال بعد از وی زندگی داشته با وجودیکه شهر را ندیده اما تحریری که کرده از اولی کمتر نمی‌باشد. ابوالفدا که در قرن چهارده در هرات حیات بسر می‌برد در آن خیلی کم اطلاعات شخصی خود را داخل



رتال جامع علوم انسانی

منظره دریای کوکچه فیض آباد از عکاسی‌های آقای محمد عزیز خان عضو حفريات متعلق مقاله
بخیر گذشت شماره دوم همین سال

(۱) ادریسی جغرافی دان معروف عالم عرب است در سنه ۱۰۹۹ تولد و در سال ۱۱۶۴ وفات یافته. او یکی از سباحان بزرگی است که از وی بسا آثار جغرافی دنیای شرقی مانده و همه آنها بزبان فرانسه ترجمه و تفسیر شده است.

کتاب مشهورش «.....» و نقشه معروف دینارا که در سال ۱۱۵۴ ساخته (دره‌ها را ندیده) (دره‌ها را ندیده) خیلی اهمیت دارد. مترجم.

نموده است. از روی این تحریرات بخوبی می توان درك نمود که هرات چه شهر مشهوری و دارای چه انواع عمارات باشکوه بوده است.

ابن بطوطه که او هم این شهر را در همین اوقات دیده بود (۱۳۴۰ ع) آنرا مهم ترین شهر های خراسان تحریر نموده می گوید: «منطقه که در آن هرات و نیشاپور واقع است بازمین های زرخیزی که بآن ها تعلق دارد هر دو معمور و دوشهر دیگر آن که عبارت از بلخ و مرو باشد سابق برین معمور ولی حالا در حالت ویرانی میباشد.» این نویسندگان در ظرف چهار صد سالی که یکی بعد از دیگر تحریر نمودند ترقیات و عظمت هرات را ملاحظه کرده اند. عماراتی که از یک قرن و نیم پیشتر بنا نهاده شده اند تا حال از عظمت گذشته حکایت دارند. کوفلی در ۱۸۳۱ می نویسد که: «بعد از طی یکصد و چهل پله بقسمت علیسای مناره بلندترین آن واحد شدم و از آنجا بسوی شهر و باغهای مزین اطراف آن و تا کستان های گرد و نواح آن نظرا افکندم. منظره های زیاده و قشنگ آنرا نمی توان در جایی بجز (شاید) اثباتی تصور کرد.» راجع بعظمت باستانی و عمارات و عظمت شهر میتوان از بنا داشت های امپراطور بابر که در سنه ۱۵۰۶ شهر را دیده بود فکری بدست آورد. این نکته را نیز تا گفته نباید گذاشت که بابر این شهر را بعد از غلبات چنگیزخان و تیمور ملاحظه نموده است. بابر شاه فکر خود را چنین مینویسد: در اثنای بیست روزی که در هری توقف کردم هر روز سوار شده خارج میشدم تا جاهای نادیده خود را مشاهده کنم. رهبر من درین سیرها یوسف علی کرگلتاش بود که در هر جای مناسبی که فرود می آمدم عصریه را آماده میکرد. در ظرف این بیست روز تقریباً هر چیز قابل دید و یاد داشت را باستمناهی خانقاه سلطان حسین مرزا دیدم. همچنان گازر گاه

باغ علی شیر بیگ، کارخانه کاغذ سازی، تخت آستانه (تخت شاهی)، پل گاه
 کاهدستان، باغ نظر گاه نعمت آباد، خیابان گازر گاه، خطر سلطان احمد مرزا
 تخت سفر نوائی، تخت بر کبر، تخت حاجی بیگ، و تختهای شیخ بهاو الدین عمر
 و شیخ زین الدین، مزارات و مقابر مولینا عبدالرحمن جامی، نماز گاه مختار،
 حوض ماهیان، ساق سلمان، بلوری که در اصل بوالولید نامیده میشد، امام فخر
 باغ خیابان، مدارس و مقابر میرزا، مدرسه گوهر شاد بیگم، مقبره و مسجد جامع او
 باغ زاغان، باغ نو، باغ زیبده، آقسرائی (قصر سفید) که آنرا سلطان ابوسعید
 میرزا آباد نموده و در سردروازه عراق تعمیر یافته بود. پورن و صفة سر اندازان
 چتر عالانک و میر واحد، پل مالان، خواجه طاق، باغ سفید، طربخانه، باغ جهان آرا
 گوشک و مقوی خانه، سوسنی خانه، دوازده برج حوض بزرگ، گوشه شمالی
 جهان آرا و چهار عمارت چهار سمت آن. پنج دروازه دیوارهای شهر که عبارتند از
 دروازه ملک، دروازه عراق، دروازه فیروز آباد، دروازه کشک (خوش)، دروازه قیچاق
 بازار ملک، چهار سو، مدرسه شیخ الاسلام مسجد جامع، باغ شهر، مدرسه بدیع الزمان
 میرزا که در ساحل رودخانه انجل آباد شده، خانه نشیمن علی شیر بیگ که آنها
 انسیه می نامند، مقبره و مسجد جامع او، مدرسه و خانقاه او، حمام و شفاخانه او، همه
 اینها را در ظرف چند روز که آنجا بودم دیدم. ولی من الفاظی نمی توانم پیدا کنم
 که بتوان شوکت گذشته هرات را افاده کند جز آنکه هرات را هرات بگویم.
 اصل هرات خیلی قدامت دارد. در زمانهای قدیم منطقه که هرات پایتخت آن بود

شهرت به آریاویا آریانه (۱) داشته که این نام در اثر رفت و آمد روزگاری تحریف شده و بالاخره هری شده اکنون نیز اطلاق برود خانه میشود که از سمت جنوب آن می گذرد یعنی هری و د - و یساتر نام هرات را کسب نمود. نویسندگان قدیم این اسم را ذکر نموده که اکثر آماوای بزرگترین سر بر آوردگان شرق گردیده است. مورخین ایرانی راجع بآن چنین می نویسند که اسکندر کبیر هرات را بنام قدیم آن (آرتاکوانا) خواند. (آریان) آنرا آرتا کوانا یا (آرتا کانا) که بمعنی شهر شاهی مردم (آریه) می نویسد. بهر حال هیچ شك نیست که این شهر در وقت همدرد نیائی دروازه برد که اسکندر کبیر جهت تسخیر هند ازان عبور نمود.

فهمیدن تاریخ هرات از فتح اسکندر (۳۲۷ قبل از میلاد) تا ویرانی شهر توسط چنگیز خان (۲۲ - ۱۲۲۱ م) مشکل است. ولی اینجا ازان قسمت صرف نظر کرده تاریخ هرات را در قرون وسطی تفصیح میکنیم.

(باقی دارد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



(۱) شهر هرات چندین نام بزبان فارسی دارد بدینقرار: هری، هیرا، هیریوا، هرات. به لهجه اهالی آنجا هروی بهر چیزیکه به منطقه هیریوا نسبت دارد گفته میشود. همه این الفاظ اصلاً به کلمه « هر » یا « هار » که به کلمه بتگالی « ار - یا » (بمعنی شوهر) و کلمه سانسکریت « آریا - » (بمعنی هند و) قریب است « آر » بمعنی قلبه کردن است و این تشبیه منبع کلمه آریا یا هندوس نیست کلمه « ایران » نام مملکت پارسی و آریا منطقه هرات باید از سبب زرخیزی و زراعتی بودن این نامهارا اخذ کرده باشند.